

Rereading Populist Approaches from the Perspective of Shia Political Jurisprudence


Fatemeh Fallah Tafti 

Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

f.fallah@atu.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Received: November 13, 2023</p> <p>Accepted: December 7, 2023</p>	<p>Populism is an ideology or a political strategy in which the opinion of the general public is preferred over all mechanisms of the society, which is fundamentally different from the concept of democracy and populism advocated by Islam. The spread of populist policies in a wrong way in many societies has caused people to easily forgo their long-term interests for short-term gains, and if their demands are not met, mistrust of the government and the system itself is created. Descriptive-analytical method has been employed in this research. The main questions of this article are: What are the approaches of political jurisprudential theories to populism? Can the rulers and statesmen of a religious government turn to populist policies from the viewpoint of political jurisprudence? The findings of the research show that populism, whose main characteristics are relying on the ignorance of the masses of society, gaining support by resorting to general and vague promises, taking actions independent of institutions and parties, and demagoguery, is strictly prohibited by Islamic political jurisprudence. In addition to being prohibited in terms of duty, the people who follow these policies are also responsible for their acts and must compensate for the damages.</p> <p>Keywords: Jurisprudence, Populism, Political jurisprudence.</p>

بازخوانی آرای پوپولیستی از منظر فقه سیاسی شیعه

فاطمه فلاح تفتی 

استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
f.fallah@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>تاریخ دریافت: ۱۴ آبان ۱۴۰۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۶ آذر ۱۴۰۲</p> <p>صفحات ۲۳-۴۸</p>	<p>پوپولیسم یک ایدئولوژی یا یک استراتژی سیاسی است که در آن نظر عموم مردم بر تمامی سازوکارهای جامعه ارجحیت دارد و با مفهوم مردم‌سالاری و مردم‌گرایی مدنظر اسلام تفاوت اساسی دارد. در بسیاری از جوامع، رواج سیاست‌های پوپولیستی به شیوه‌ای غلط، منجر به آن شده است که مردم به راحتی مصالح بلندمدتشان را فدای دستاوردهای کوتاه‌مدت کنند و در صورت برآورده نشدن مطالباتشان، بی‌اعتمادی نسبت به دولت و اصل نظام ایجاد می‌شود. این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی پاسخگوی این پرسش است که نظریه‌های فقه سیاسی نسبت به پوپولیسم‌گرایی چه دیدگاهی دارند و آیا اساساً از منظر فقه سیاسی، حاکمان و دولتمردان یک حکومت دینی می‌توانند به سیاست‌های پوپولیستی روی آورند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که شاخصه‌های اصلی پوپولیسم که عبارت است از: تکیه بر ناآگاهی توده‌های جامعه، جلب پشتیبانی با توسل به وعده‌های کلی و مبهم، اقدامات مستقل از نهادها و احزاب و عوام‌فریبی، به‌شدت مورد نهی فقه سیاسی اسلام است و علاوه بر حرمت تکلیفی، اشخاصی که این سیاست‌ها را دنبال می‌کنند نیز ضامن بوده و باید جبران خسارت کنند.</p> <p>واژگان کلیدی: عوام‌گرایی، مردم‌گرایی، پوپولیسم، فقه سیاسی.</p>

امروزه در اندیشه و رفتار سیاسی بسیاری از دولت‌های مدرن، بر نقش مردم و مشارکت آنان در فرایندهای سیاسی تأکید زیاد می‌شود و دولت‌ها همواره در تلاش هستند مشروعیت تصمیمات سیاسی خود را مستند به افکار عمومی و رضایت توده‌های مردمی نمایند. در برخی از اندیشه‌ها، جنبش‌ها، تأکید بر رضایت مردمی و انجام مطالبات و تقاضاهای عمومی به‌اندازه‌ای در کانون توجه رهبران و حاکمان قرار می‌گیرد که بین توده‌های مردم و حاکمان ارتباط مستقیمی برقرار شده و مردم انگیزی به‌عنوان یک ایدئولوژی یا یک استراتژی سیاسی دولت و حکومت شکل می‌گیرد. در این شیوه که در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی از آن به پوپولیسم تعبیر می‌شود، (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۲۶۴) افرادی که در رأس سیستم قرار گرفتند، می‌توانند به اهداف سیاسی و شخصی خود با بسیج توده مردم دست پیدا کنند. ناگفته پیداست که در بحث‌های نظری پیرامون پوپولیسم، می‌توان دو نوع رویکرد را برای این مسئله در نظر گرفت؛ رویکردی که پوپولیسم به همان معنای لغوی به کار برده و در معادل مردم‌باوری قرار می‌گیرد و اعطای آزادی‌ها و امتیازات دموکراتیک به مردم و شریک کردن آنان در ساختار قدرت است که از بُعد سیاسی و اجتماعی مذموم نیست؛ اما به معنای اصطلاحی، پوپولیسم به معنای مردم‌داری است که تزییق نوعی امید واهی به جامعه و تأکید بر عقاید فراموش‌شده توده جامعه است که به بهره‌برداری‌هایی از جامعه منجر می‌شود. آنچه در این نوشته از آن بحث می‌شود، پوپولیسم با رویکرد دوم است.

واژه پوپولیسم به‌ویژه در زمان انتخابات نقش پررنگی به خود می‌گیرد و در مواردی مثل وعده‌هایی که هرگز تحقق پیدا نمی‌کنند، عواقب جبران‌ناپذیری برای کشور و حکومت در پی خواهد داشت. رواج سیاست‌های پوپولیستی به شیوه‌ای غلط در بسیاری از جوامع، منجر به آن شده که مردم به‌راحتی مصالح بلندمدتشان را فدای دستاوردهای کوتاه‌مدت کنند و پس از مدتی که مطالبات آنان به‌جایی نرسید، بی‌اعتمادی مردم به دولت‌مردانشان شکل می‌گیرد و اگر در آینده، کسی در کشور بخواهد به مطالبه عدالت، لزوم مبارزه با فساد گسترده اداری، لزوم پرهیز از اشرافی‌گری توسط نهادها و سیاستمداران پردازد، برچسب

دروغ‌گویی و عهدشکنی بر او زده می‌شود و وضعیت جامعه به همان منوال گذشته باقی خواهد ماند.

با نگاهی به آموزه‌های دین مقدس اسلام روشن می‌شود که این دین برای جلب نظر مردم اهمیت ویژه‌ای قائل شده است و آن را لازمه حکومت اسلامی و اجرای احکام الهی می‌داند و یکی از حقوق مردم بر دولتمردان و کارگزاران حکومت را، توجه به افکار و خواسته‌های ایشان برمی‌شمارد. بی‌شک، این توجه، بهترین پشتوانه برای تقویت پایه‌های نظام به شمار می‌رود؛ زیرا وقتی مردم نظاره‌گرند که افکارشان برای مسئولان کشورشان، از اهمیت برخوردار است و بر تصمیمات و برنامه‌هایشان اثر می‌گذارد، از این رو به حکومت و نظام دلگرم می‌شوند و بیش‌ازپیش از مسئولان حمایت می‌کنند.

حال پرسش این است که نظریه‌های فقه سیاسی که مشتمل بر مجموعه‌ای از مباحث فقهی است و تکالیف شرعی زندگی سیاسی مؤمنان بلکه شهروندان را تعیین کرده و آیین اداره مطلوب را بر اساس منابع و ادله معتبر شرعی، تبیین و توصیه می‌کند؛ نسبت به پوپولیسم‌گرایی چه دیدگاهی دارند؟ بر این اساس و در راستای پاسخ به پرسش پژوهش پس از مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی، به بررسی و نقد فقهی سیاست‌ها و آرای پوپولیستی از منظر فقه سیاسی شیعه اشاره می‌شود.

پیشینه پژوهش

با تتبع و بررسی‌های انجام گرفته، تحقیقی درباره سیاست‌های پوپولیستی از منظر فقهی انجام نشده است. تنها برخی مقالات به بررسی پوپولیسم به‌طور کلی یا آثار آن پرداخته‌اند، از جمله: مقاله‌ای با عنوان «پوپولیسم مذهبی» در خرداد ۱۳۸۶، شماره ۸۶ مجله **بازتاب اندیشه** نوشته سید حسین حسینی به چاپ رسیده است. ایشان در این مقاله به بیان تاریخچه مختصری از پیدایش پوپولیسم اشاره و معتقد است که تاریخچه پیدایش پدیده پوپولیسم به سبک و سیاق امروزی را باید در گروهی به نام نارودنیک‌ها (مردم‌باوران) که در سال ۱۸۶۰ در

روسیه، به قصد انقلاب سوسیالیستی فعالیت می‌کردند، جست‌وجو کرد که تکیه آن‌ها بیشتر بر توده و عامه مردم بود. در این مقاله مطلبی دال بر بررسی پوپولیسم و راهیابی این روش در شیوه حکومت اسلامی بیان نشده و تنها به بررسی سوءاستفاده پوپولیست‌های تندرو از دین اسلام به عنوان وسیله‌ای برای اهداف جدایی طلبانه و نسل‌کشی و جنایت علیه مسلمانان و سایر مردم جهان پرداخته است.

پرویز دلیرپور در مقاله‌ای با عنوان «زمینه‌های سیاسی و اجتماعی پوپولیسم و اقتدارطلبی» در مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی (آذر و دی ۱۳۸۹ - شماره ۲۷۹ و ۲۸۰)، یکی از معضلات توسعه در کشورها را فرایند ناقص دولت - ملت‌سازی، در کنار شکاف‌های اجتماعی ناهم‌ساز در جوامع آن‌ها برشمرده که زمینه مساعدی برای حاکم شدن دولت‌های پوپولیست (که با انگیزش گسترده مردمی همراه است) یا اقتدارطلب فراهم آورده است. در مقالات دیگر مانند مقاله «درکی فراگیر از پوپولیسم» نوشته گیتی پورزکی و «پوپولیسم و نظریه قیمت» نوشته حامد قدوسی و تنها در چند کتاب محدود ترجمه شده در ایران، نظیر پوپولیسم از پل تا گارت، پدیده پوپولیسم از نظر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مطرح شده ولی هیچ‌کدام به پایه‌های فقهی و حقوقی آن اشاره‌ای نداشتند و هیچ‌کدام به شیوه‌های برخورد فقه اسلامی با سیاستمدارانی که پوپولیستی عمل می‌کنند، صحبتی به میان نمی‌آوردند. وجه امتیاز مقاله پیش رو بررسی این پدیده از منظر فقهی - حقوقی و بیان تفاوت آن با مردم‌گرایی مدنظر فقه امامیه است.

۱. مفهوم‌شناسی

گام اول در پژوهش حاضر، مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی است که این مهم با مراجعه به منابع معتبر لغوی و اصطلاحی انجام می‌شود:

۱-۱. پوپولیسم

پوپولیسم^۱ از ریشه [پ پو]^۲ (رحیق اغصان، ۱۳۸۴: ۳۰۵) توده مردم (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۲۶۴) به عربی الشعبویه و به معانی مشابه مردم گرایی، مردم باوری و عوام پسندی و عوام گرایی (جاوید، ۱۳۷۲: ۳۷۳) به کار می رود. این واژه برای بیان بزرگداشت مفهوم مردم یا خلق تا حد مفهومی مقدس در سطح باور یا اعتقاد راسخ به کار رفته (علیزاده، ۱۳۸۱: ۲۳۳) و بیانگر آن است که هدف‌های سیاسی باید با اراده و نیروی مردم و جدا از احزاب یا سازمان‌های سیاسی پیش برود (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۳)؛ حال اگر سلسله‌ای از روال سیاسی گفتمانی که مقوم سوژه‌های پوپولارند - مثل اعتقاد به اینکه غرایز و آرزوهای مردم رهنمود مشروع و اصلی برای کارکرد سیاسی است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۲) - را داشته باشیم به این معناست که پوپولیسم داریم (لاکلائو، ۱۳۸۸: ۴۷).

مردم باوری، خواست «مردم» را عین حق و اخلاق می داند و این خواست را برتر از همه سازوکارهای اجتماعی می شناسد و بر آن است که میان مردم و حکومت رابطه مستقیم به وجود آورد (آشوری، ۱۳۷۳: ۲۹۹).

یان - ورنر مولر پروفیسور علوم سیاسی در دانشگاه پرینستون، در آخرین کتاب خود **پوپولیسم چیست؟** پوپولیسم را گونه‌ای از سیاست‌های هویتی قلمداد می کند که منتقد نخبگان، ضد کثرت گرایی و نسبت به سیستم نمایندگی انتقادات اخلاقی معینی دارد (مولر، ۱۳۶۹: ۱-۱۰).

۲-۱. فقه سیاسی

منظور از فقه سیاسی، تفقه در موضوع‌ها و عمل سیاسی است (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۹۱) و عنوانی است که امروزه بر کلیه مباحثی که در زمینه‌های اجتهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حسب،

1 . Populism

2 . Populo

خراج در اموال، احکام سلطانی، ولایات و به‌ویژه ولایت فقیه که در فقه اسلامی مطرح است، اطلاق می‌شود و از سویی، شامل آن دسته از مباحث حقوقی است که تحت عناوینی چون: حقوق اساسی و حقوق بین‌الملل و نظایر آن مطرح می‌گردند (عمید زنجانی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۱). بنابراین فقه سیاسی عملاً دو قسمت عمده پیدا می‌کند، اول اصول و قواعد مربوط به سیاست داخلی و تنظیم روابط درون امتی جامعه اسلامی و دوم اصول و قواعد مربوط به سیاست خارجی و تنظیم روابط بین‌المللی و جهانی اسلام (شکوری، ۱۳۶۱: ۷۲-۷۳).

می‌توان گفت اصطلاح «فقه سیاسی» به‌عنوان واژه‌ای نوپدید در عرصه فقه، مشتمل بر مجموعه‌ای از مباحث فقهی است که با رفتار سیاسی و دانش سیاست مرتبط بوده و تکالیف شرعی زندگی سیاسی مؤمنان بلکه شهروندان را تعیین کرده و آیین اداره مطلوب را بر اساس منابع و ادله معتبر شرعی، تبیین و توصیه می‌کند. این گرایش فقهی جایگاه ویژه‌ای در بین دانش‌های سیاسی در گستره تمدن اسلامی دارد و به‌عنوان عرصه‌ای از فقه که در گستره زمان با تحولات و تغییرات زیادی روبه‌روست بیش از عرصه‌های دیگر فقه، نیازمند پاسخ‌های سریع و آسان به مسائل و معضلاتی است که با آن مواجه است و استفاده از قواعد فقهی، می‌تواند بهترین راه برای رسیدن به پاسخ مناسب محسوب شود.

۲. ویژگی‌های حکومت پوپولیستی و نقد و بررسی آن

پوپولیسم دارای مشخصاتی است که از جمله آن‌ها می‌توان به عوام‌فریبی^۱، تقدیس شخص رهبر (کاریزما)، تعصب و شخص‌پرستی و دشمن‌تراشی (بابایی، ۱۳۹۱: ۲۹۷)، تکیه به توده‌های محروم و ازخودبیگانه، نداشتن ایدئولوژی مشخص، اصلاح‌طلبی، ملی‌گرایی، توسعه‌خواهی و توجه به آزادی‌های سندیکایی^۲ و دموکراتیک اشاره کرد. این مردم‌باوری ممکن است چپ یا راست و یا هیچ‌کدام از این‌ها باشد، ممکن است خصلت ارتجاعی داشته

۱ . Demagogy, demagoguery

۲ . اتحادیه کارگران

باشد و یادآور بازگشت به فضائل دوران گذشته باشد (علیزاده، ۱۳۸۱: ۲۳۳-۲۳۴). از سوی دیگر، اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که در قالب پوپولیسم شناخته می‌شوند، بسیار متفاوت بوده و در هر جامعه و کشوری شکل خاص خود را دارد (آشوری، ۱۳۷۳: ۳۰۰). از این رو در این مقاله ویژگی‌های اصلی جریان پوپولیستی که وجه مشترک در همه اندیشه‌هاست، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

۲-۱. تکیه بر ناآگاهی توده‌های جامعه

هر جا که بی‌سوادی، فقدان آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی، فقر مادی و معنوی و عقب‌ماندگی بر آن حاکم باشد (ناصری، ۱۳۷۸: ۳۲۲) بستر مناسبی برای اجرای سیاست‌های پوپولیستی است و مردم خود را در سایه آن درامان می‌دانند؛ البته ممکن است افراد خود را در گفتار ضد پوپولیست بدانند؛ اما رفتارها و عملکردشان به طور کامل پوپولیستی باشد. ایجاد ترس و دلهره در میان مردم از رقبای انتخاباتی با اتهاماتی نظیر دیوارکشی، اعدام، سایه جنگ و افزایش قیمت‌ها، زندان و... یکی از ویژگی‌های پوپولیست‌ها است. پوپولیست‌ها با سوءاستفاده از ناآگاهی مردم نسبت به حوادث تاریخی جامعه، رعب و وحشت را در افکار عمومی ایجاد کرده و بدین ترتیب عده زیادی را طرفدار خود می‌کنند.

نقد و بررسی: حاکمان و دولتمردان در فقه سیاسی اسلام موظف هستند مردم را نسبت به مسائل آگاه کرده و از سوی دیگر مردم نیز باید در جهت بصیرت‌افزایی خود تلاش کنند. ادله فقهی حق آگاهی مردم از اطلاعات را می‌توان به ادله قرآنی نظیر و آیه ۱۵۹ سوره آل عمران و آیه ۳۸ سوره شورا، ادله امر به معروف و نهی از منکر، ادله روایی و نیز حق نصیحت دانست.

بر اساس آیه شورا و نیز آیه «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که با اغماض از حق خویش لغزش مؤمنان را ترمیم و با استغفار خود ترمزد آنان را جبران و سپس با آنان مشورت نماید. نتیجه این دستور الهی این است که به آرای مؤمنان احترام گذاشته شده و سبب مشارکت مردمی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست و زمینه خودباوری و

شناخت توانمندی‌ها را در آحاد مردم فراهم می‌آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۱۴۳). حکم فقهی مشورت از لحاظ وجوب و استحباب برای معصوم یکسان است و البته رجحان آن استفاده می‌شود، اما کارهای کلان مملکت برای غیر انسان معصوم بدون مشورت به مقصد نمی‌رسد و در چنین مواردی مشورت واجب است. نیز در موردی که بدون مشورت فتنه تحمل نکردنی رخ می‌دهد، تحصیل آن لازم است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۱۵۳)؛ لذا با توجه به وجوب مشورت و محاسن آن، پرواضح است که تحقق آن مستلزم آگاهی طرف مشورت است. از این رو، مادام که مردم نسبت به اطلاعات، دسترسی نداشته باشند، نمی‌توان بر این فریضه عمل نمود، پس نتیجه آن می‌شود که از حیث تعلق حکم وجوب بر مقدمه واجب، رعایت حق بر اطلاعات بر حکومت، واجب خواهد بود.

در ادله امر به معروف و نهی از منکر که اصل مسلم قرآنی است و در اصل هشتم قانون اساسی نیز آمده است، بیان شده که در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای همگانی و متقابل است؛ برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر مانند بسیاری از فرایض دیگر دارای شروطی است. این شروط که در کتب فقهی، معروف به شروط چهارگانه است، عبارت‌اند از: علم به معروف و منکر، احتمال تأثیر، اصرار و استمرار در ترک معروف و ارتکاب منکر و عدم مفسده در انجام وظیفه. شرط اول که اطلاع از معروف و منکر است یکی از شرایط مهم بوده و مراد از شرط آگاهی آن است که مجری امر به معروف و نهی از منکر، باید نسبت به دو مسئله آگاهی داشته باشد؛ اول آنکه مصداق معروف و منکر را بشناسد و بی‌جهت به کاری عنوان معروف و منکر ندهد و دوم آنکه بداند معروف، ترک و منکر انجام شده است. حال برای اینکه مردم بتوانند وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را نسبت به کارگزاران حکومتی اجرا کنند، باید نسبت به حاکمان خود و اطلاعاتی که آن‌ها ارائه می‌کنند، آگاه باشند و موضوع و مصداق خارجی آن را نیز بشناسند تا درباره امر و نهی و نیز اطاعت از آنان، بتوانند تصمیم‌گیری کنند و از آنجایی که جاهل به حکم حق هیچ‌گونه اقدامی ندارد؛ بنابراین جهت مشارکت و انتخابات بر مردم واجب است

که به منظور جمع آوردن شرایط اجرای حکم از راه تحقیق، تحصیل علم کنند و جهل نباید عذر تکلیف دانسته شود.

از ادله روایی می‌توان به روایتی از حضرت علی^(ع) اشاره کرد: «أَلَا وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أَحْتَجِزُ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ (نهج البلاغه، نامه ۵۰)؛ امام در این نامه که خطاب به فرماندهان نظامی است، می‌نویسد «آگاه باشید! حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم». همچنین نامه امام علی^(ع) به مالک اشتر که امام در این نامه به او تذکر داده‌اند که: «پنهان بودن از شهروندان، طولانی نگردد؛ چرا که پنهان بودن زمامداران از شهروندان، شاخه‌ای از کم‌اطلاعی و تنگ‌خویی است و پنهان شدن از شهروندان، زمامداران را از دانستن آنچه از آنان پوشیده است، بازدارد. پس کار بزرگ نزد آنان، خرد به شمار آید و کار خرد، بزرگ نماید؛ زیبا، زشت شود و زشت، زیبا گردد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). گرچه در اینجا آشکارا به بحث شفافیت اشاره‌ای نشده، ولی برخی از تبعات فقدان آن همچون تثبیت نگاه‌های غلط و تصمیم‌گیری‌های دور از واقع‌بینی مدنظر قرار گرفته است. رهبر معظم انقلاب درباره حق آگاهی مردم و اثر شفاف‌سازی خطاب به دولتمردان فرمودند:

اگر در اموری که به زندگی مردم مربوط می‌شود شفافیت از سوی دولتمردان صورت پذیرد، جلوی بسیاری از بدگمانی‌ها و اختلاف‌ها را خواهد گرفت. شفافیت، اعتماد مردم به حکومت را افزایش می‌دهد. در این رویکرد مردم جدای از حکومت نیستند؛ همه چیز با آن‌ها در میان گذاشته خواهد شد؛ «هم به مردم اطلاع‌رسانی کنید، خبر دهید و پیشرفت‌ها را بگویید؛ هم اگر واقعاً موانعی وجود دارد، آن‌ها را هم شفاف با مردم در میان بگذارید (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۱/۶/۴).

نصیحت که به معنای خیرخواهی است از استعمالات عرب از «نصحت العسل» گرفته شده و بدین معناست که نصیحت‌کننده کلام و عمل خود خالص کرده و انگیزه او فقط خیرخواهی است (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۲: ۱۷۰۱). برخی نیز گفته‌اند از «نصحت الثوب» ترمیم

لباس آمده که بر اساس این معنا ناصح به ترمیم نقاط ضعف و کاستی‌های منصوح می‌پردازد. (مازندرانی، ۱۴۲۹، ج ۹: ۹۴ و مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۹: ۱۴۲)؛ حق نصیحت در حکومت اسلامی حق دو جانبه برای حاکمان و مردم است. قرآن کریم پیامبران عظام خود را ناصح مردم معرفی کرده (اعراف: ۶۲ و ۶۸) و از سوی دیگر پیامبر اکرم (ص) در حجة الوداع، ضمن سخنرانی به حق نصیحت مردم نسبت به حکام با عبارت النصيحة لائمة المسلمين (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۹۹) اشاره و به آن امر کردند.

امیرمؤمنان علی (ع) درباره سوءاستفاده از ناآگاهی افراد در فتنه‌ها چنین می‌فرماید: دشمن‌ترین آفریده‌ها نزد خدا دو نفرند: مردی که خدا او را به حال خود گذاشته و از راه راست دورافتاده است، دل او شیفته بدعت است و مردم را گمراه کرده، به فتنه‌انگیزی می‌کشانند و راه رستگاری گذشتگان را گم کرده و طرفداران خود و آیندگان را گمراه ساخته است. بار گناه دیگران را بر دوش کشیده و گرفتار زشتی‌های خود نیز می‌باشد و مردی که مجهول‌های به‌هم‌بافته و در میان انسان‌های نادان امت، جایگاهی پیدا کرده است، در تاریکی‌های فتنه فرورفته و از مشاهده صلح و صفا کور است. آدم‌نماها او را عالم نامیدند که نیست (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۷).

باید دانست که حق دسترسی به اطلاعات جایگاهی مهم در ارتباط با حق مشارکت در تعیین سرنوشت دارد، این حق که تحت عنوان حق آگاهی قرار می‌گیرد، از جمله حقوق شهروندی است که به مفهوم گسترده آن، شامل حق دسترسی به اطلاعات یا حق دریافت اطلاعات است. این حق نه تنها به‌عنوان لازمه دموکراسی، پاسخگو بودن مقامات و مشارکت مؤثر مردم، مدت مدیدی است که مورد شناسایی واقع شده، بلکه تحت عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر به‌موجب قوانین بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها مورد حمایت قرار گرفته است. (حیبی، ۱۳۸۲: ۶۵)

۲-۲. جلب پشتیبانی با توسل به وعده‌های کلی و مبهم

جلب پشتیبانی مردم با توسل به وعده‌های کلی و مبهم (ابوطالبی، ۱۳۸۷: ۳۴) نظیر شعار برابری، برادری و مساوات و... یکی از ویژگی‌های اصلی سران پوپولیست است. وعده‌های بی‌حساب و نافرjامی که برای جلب آرای مردم اعلام می‌شود و آثار ویرانگر بر ساختار اقتصادی و سیاسی بر جای می‌گذارد.

این مسئله در انتخابات نمود بیشتری دارد و متأسفانه وعده‌هایی که کاندیداهای انتخاباتی می‌دهند از امکان سنجش ارزیابی کمتری برخوردار است و این همان ابزاری است که برخی می‌توانند با سوءاستفاده از همین خلأ و با بیان وعده‌های غیرواقعی و حتی خیالی که اصلاً با جنس اختیارات و وظایف پست موردنظر هیچ‌سختی ندارد، از رقیبان انتخاباتی پیشی بگیرند و رقیبی را که از روی صداقت به چنین فضاسازی‌هایی اقدام نکرده است، پشت سر بگذارند (اسماعیلی و حبیب‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۳۶).

نقد و بررسی: باید دانست که شالوده و اساس هر حکومتی عهد و پیمان و میثاقی اجتماعی است که در قراردادهایی نوشته و نانوشته متبلور می‌شود. این تعهدات به هنگام هر انتخابی، به‌ویژه انتخابات مهم، نمود بیشتری پیدا کرده و برای جلب آرای مردم تعهدات و وعده‌های فراوانی بیان می‌شود و متأسفانه پس از انتخابات، بسیاری از این تعهدات فراموش می‌شود و در نتیجه جو بی‌اعتمادی در جامعه به وجود می‌آید و باورهای دینی مردم نیز از تأثیر سوء این بی‌اعتمادی‌ها و بی‌اعتباری‌ها برکنار نمی‌ماند.

قبل از بررسی وجوب یا عدم وجوب این‌گونه تعهدات از منظر فقه سیاسی شیعه باید گفت واژه «وعده» با دو واژه دیگر یعنی «عهد» و «میثاق» نزدیک به نظر می‌رسد، از این‌رو جهت تنقیح محل بحث، توضیح این دو واژه نیز لازم است.

راغب، در بیان معنی «عهد» می‌نویسد: عهد عبارت است از نگهداری شیء و مراعات کردن پی‌درپی آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۹۱، ماده عهد)؛ وی می‌افزاید: به پیمانی که لازم‌المراعات است، عهد گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۹۱) با عنایت به تعبیرات و تأکیداتی که در قرآن پیرامون عهد و پیمان به کاررفته، تردیدی در وجوب وفا به عهد

نیست و هیچ‌یک از عالمان نیز سخن از استحباب آن به میان نیاورده‌اند؛ از جمله این تأکیدات است آیه شریفه «وَأَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱) و آیه «إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۴) «به عهد خود وفا نمایید زیرا [عمل و وفای به] عهد مورد سؤال است».

واژه دیگر، «ميثاق» است که در اصل از «وَقْتُ» به معنای «اعتماد نمود» است چنان که «ثَقَّه» به معنای شخص مورد وثوق و قابل اطمینان است و بسیاری از واژه‌شناسان، ميثاق را به «پیمان مستحکم و مؤکد» معنا کرده‌اند (ر.ک: فیروزآبادی، ۱۴۲۸، ج ۳: ۴۱۶؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۲۴۳) بدین ترتیب از نظر بار فقهی تفاوتی با واژه عهد ندارد؛ اما وعده همان شروط ابتدایی هستند که در فقه و حقوق از آن سخن به میان آمده است. شرط ابتدایی عبارت است از تعهد و قراری که مستقل و جدا از عقد باشد، نه ضمن آن (خویی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۶۷).

جهت تبیین بحث باید گفت شروط ابتدایی، شروطی هستند که در متن عقد ذکر نشده، بلکه تعهدات و التزاماتی هستند که بدون اینکه عقدی به دنبال آن بیاید، یکی از طرفین معامله برای دیگری شرط می‌کند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۲۵۲؛ نجفی خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۲۳) همچنین گفته شده: همان التزامات ابتدایی و تعهدات مستقل غیرمرتبط با عقد که با لفظ انشا شده است (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۶: ۵۵).

دربارهٔ وجوب وفا به این دسته از تعهدات میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را واجب الرعايه و برخی آن را مستحب می‌دانند.

فقهایی که قائل هستند که شروط ابتدایی وجوب ندارند، ادله‌ای را مطرح کرده‌اند از جمله آن که گفته‌اند لغویون در مقام بیان معنای شرط آن را مقید به التزام در ضمن بیع و مانند آن نموده‌اند و عرف عقلا نیز از لفظ شرط تعهد ضمن معامله را می‌فهمد (امام خمینی، ۱۴۲۸، ج ۱: ۸۶) دلیل دوم آنکه شرط ابتدایی از آنجایی که در ضمن عقد نیست، بنابر قول مشهور علما التزامی برای مشروط‌علیه به وجود نخواهد آمد؛ چنانچه میرزای قمی می‌گوید هر التزامی که مکلف بکند وفای به آن واجب است و التزام مکلف یا به نذر و عهد و یمین است یا آنکه شرط را در ضمن عقد لازمی قرار دهد و هرگاه غیر این صورت‌ها باشد داخل در

مطلق وعده می‌شود و مشهور علما وفای به وعده را واجب نمی‌دانند و وجه دیگری نیز برای لزوم آن نمی‌دانیم (گیلانی قمی، ۱۴۱۳: ۲۸۳) و حتی از کلمات فقها این گونه استنباط می‌شود که حقیقتاً چیزی به نام شرط ابتدایی نداریم و ممکن است مجازاً به تعهد غیر ضمن عقد هم شرط گفته شود؛ ولی این استعمال، حقیقی نیست.

در مقابل دیدگاه فوق، دیدگاهی است که بیان می‌دارد شرط، مطلق الزام و التزام است، خواه در ضمن عقد باشد یا مستقل. شیخ انصاری و همچنین سید یزدی، با اختلاف در تعبیر، بر همین نظرند.

شیخ در بحث معاطات و در لزوم وفا به این گونه عقدها، آن را مصداقی از حدیث نبوی «المؤمنون عند شروطهم» برشمرده، در مقام استدلال می‌فرماید: چون شرط به لحاظ لغت، مطلق التزام است؛ پس شامل آن تعهدی که به غیر لفظ هم باشد، می‌شود (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳: ۵۶) البته ایشان در بحث شروط، همین معنا را با تفصیل بیش‌تر بیان می‌کند و هرگونه تعهد ضمن عقد یا قبل عقد، با لفظ یا بدون لفظ را شامل معنای التزام و وجوب وفا می‌داند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۶: ۱۳). عمده دلیل مرحوم شیخ، کاربرد فراوان شرط در نصوص دینی در تعهدات غیر ضمن عقد است و مدعی است که شرط حتی به لحاظ لغت هم به همین معنای مطلق التزام است (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳: ۵۶). سید کاظم یزدی نیز در مقام تعریف شرط، چنین می‌فرماید: «اقول الحق ان الشرط بمعنی مطلق الزام و الألتزام فیشمل الشروط البدویة» (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۰۴). حق این است که شرط به معنی هر الزام و التزامی است؛ بنابراین شامل شرط ابتدایی هم می‌شود. از این بیان روشن می‌شود که ایشان الزام و التزام را از لوازم شرط می‌شمرد و آن را صرف جعل و اثباتی می‌داند که الزام و التزام را به دنبال دارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۰۶). نتیجه آن که شرط، به هر صورت که باشد؛ ضمن عقد، قبل از عقد در قالب عهد یا وعده وجوب و الزام دارد. در این مسئله هم تفاوتی بین مسائل مختلف و موضوعات متفاوت نیست. در حیطه مسائل سیاسی نیز هرگونه وعده یا عهدی که گفته می‌شود لازم‌الاجراست و کسی حق تعدی از آن را ندارد. از ادله دیگری که می‌توان برای لزوم عمل به وعده بیان کرد، آیات متعدد قرآن است:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۲ و ۳) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! نزد خدا بسیار مورد غضب است که چیزی را بگویید که عمل نمی‌کنید». در حدیثی که در تفسیر این آیه کریمه آمده است عدم عمل به وعده را موجب غضب الهی دانسته و پرواضح است که غضب الهی با حرمت مسئله تلازم دارد. هشام بن سالم می‌گوید: از حضرت صادق^(ع) شنیدم که می‌فرمود: وعده مؤمن به برادر (دینی) خود نذری است که کفاره ندارد، پس هر که به آن وفا نکند، به مخالفت وعده با خدا برخاسته و خود را در غضب او انداخته، این است گفتار خدای تعالی که (می‌فرماید): «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۶۳) یا آیه «أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره: ۱۰۰) «آیا هر بار که با خدا پیمانی بستند گروهی از ایشان پیمان شکنی کردند؟ آری بیشترشان ایمان نخواهند آورد».

و آیه «فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَ فَتَالَىٰ عَلَيْكُمْ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي» (طه: ۸۶) «موسیٰ خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدّت جدایی من از شما به طول انجامید، یا می‌خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟!».

و نیز در روایات متعدد از خلف وعده به‌عنوان گناهی نابخشودنی، در شمار گناهان کبیره و نشانه نفاق نام برده شده است. یزید صائغ گوید: به امام صادق^(ع) عرض کردم: مردیست که مسلمان و شیعی مذهب است اگر خیر دهد دروغ گوید و اگر وعده دهد خلف کند و اگر امین شود خیانت کند، او چه منزلتی دارد؟ فرمود: در نزدیک‌ترین منازل کفر است، ولی کافر نیست (نزدیک است که گناهانش او را به کفر رساند) (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۹۰).

رسول خدا^(ص) فرمود: سه صفت است که هر که داشته باشد منافق است، اگر چه اهل نماز و روزه بوده، خود را مسلمان پندارد: ۱. کسی که چون امانت بدو سپارند خیانت کند؛ ۲. چون خبری دهد دروغ گوید؛ ۳. هر گاه وعده دهد خلف کند، خدای عزوجل در کتابش

فرموده است: خدا خیانت کاران را دوست ندارد و فرموده: لعنت خدا بر او اگر از دروغ گویان باشد و فرموده: اسماعیل را در کتاب یاد کن، همانا او درست وعده و رسول و پیغمبر بود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۹۰).

در روایتی دیگر عمل به وعده، از شرایط ایمان به خدا دانسته شده است: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرموده: هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید به وعده‌ای که می‌دهد وفا کند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۶۴).

در روایتی دیگر که درباره ارتباطات در جامعه است و شامل ارتباط مردم با مردم و نیز مسئولین با مردم می‌شود، آمده است: هر کس که در جامعه با مردم ارتباط دارد، باید دارای سه خصلت صداقت، عمل به وعده و عدالت باشد تا حقی بر مردم پیدا کند:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَوْجِبْنَ لَهُ أَرْبَعًا عَلَى النَّاسِ مَنْ إِذَا حَدَّثْتَهُمْ كَمْ يَكْذِبُهُمْ وَإِذَا خَالَطَهُمْ كَمْ يَظْلِمُهُمْ وَإِذَا وَعَدَهُمْ كَمْ يُخْلِفُهُمْ وَجَبَ أَنْ تَظْهَرَ فِي النَّاسِ عِدَالَتُهُ وَتَظْهَرَ فِيهِمْ مُرُوءَتُهُ وَأَنْ تَحْرَمَ عَلَيْهِمْ غَيْبَتُهُ وَأَنْ تُحِبَّ عَلَيْهِمْ أُخُوَّتُهُ (علامه مجلسی، ۱۴۰۸: ج ۷۲، ۹۳)؛

«امام صادق (ع) فرمودند: سه چیز است که هر کس دارا باشد، آن سه، چهار وظیفه را در قبال او بر مردم واجب گردانند: کسی که هرگاه با مردم سخن گوید به ایشان دروغ نگوید و هرگاه با آنان بیامیزد در حقشان ستم نکند و هرگاه وعده‌ای به آنان دهد خلف وعده نکند، واجب است که عدالت او در میان مردم آشکار شود و مروّتش در میان آنان هویدا گردد و غیبت از او برایشان حرام باشد و برادریش بر آن‌ها لازم آید».

امام علی (ع) - در فرمان استانداری مصر به مالک اشتر - نوشت: مبادا به خاطر خدماتت، بر رعیت خود منت گذاری یا کارهای خود را بیش از آنچه هست جلوه دهی یا به مردم وعده دهی و به وعدهات عمل نکنی؛ زیرا منت نهادن، احسان را بی‌اجر می‌کند و بزرگ جلوه دادن کارهایی که می‌کنی، نور حق (حقیقت) را می‌برد و به کار نبستن وعده، باعث خشم خدا و مردم می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: نزد خداوند بسیار مبعوض است که چیزی بگوید و به آن عمل نکند. (علامه مجلسی، ۱۴۰۸، ج ۷۲: ۹۶).

رهبر معظم انقلاب در یک توصیه مهم به افرادی که وارد عرصه انتخابات می‌شوند، فرمودند: این افراد از سخنان و وعده‌های فریبنده و بدون پشتوانه فکری و بدون نظر گرفتن امکانات و یا بدون اطلاع از آن‌ها حتماً پرهیز کنند. (۱۴۰۰/۲/۱۲)^۱ و در ادامه تأکید کردند: کسانی که وارد عرصه انتخابات می‌شوند باید یک برنامه واقعی ارائه دهند به گونه‌ای که کارشناسان با شنیدن این برنامه، آن را تصدیق کنند. ایشان در جایی دیگر با توصیه به مردم در مورد توجه به این وعده‌ها و اینکه آن را ملاک انتخاب قرار ندهند فرمودند: «مردم توجه باید داشته باشند که تبلیغات رنگین و متنوع ملاک نیست؛ وعده‌های غیرعملی ملاک نیست... وعده‌های غیرعملی دادن، وعده‌های بزرگ دادن، این‌ها ملاک نیست؛ باید مردم توجه کنند؛ گاهی علامت منفی هم هست» (۱۳۸۶/۱۰/۱۲)^۲ و از طرفی به نامزدهای انتخابات نیز فرمودند: «نامزدها وعده‌های نشدنی ندهند. من به نامزدهای گوناگون عرض می‌کنم جوری حرف بزنید که اگر در خرداد سال آینده نوار امروز شما را جلوی خودتان گذاشتند یا پخش کردند، شرمنده نشوید؛ جوری وعده بدهید که اگر چنانچه آن وعده را بعداً به رخ شما کشیدند، مجبور نباشید تقصیر را گردن این و آن بگذارید که نگذاشتند، نشد. کاری را که می‌توانید انجام دهید، وعده بدهید» (۱۳۹۲/۳/۱۴)^۳. حال وقتی در روایات و ادبیات فقها، عمل به وعده در روابط بین افراد تا این اندازه تأکید شده است و دستور امام علی علیه‌السلام به حاکم منتخبشان عمل به وعده‌هاست، نتیجه گرفته می‌شود در روابط اجتماعی و در صحنه سیاسی عمل به وعده از اولویت بیشتری برخوردار است و وعده‌های حکام و دولتمردان سبب دلگرمی مردم و پشتیبانی آنان از نظام خواهد شد، در مقابل خلف وعده اثرات جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد خواهد کرد و سبب بی‌اعتمادی مردم و طمع دشمنان خواهد شد. به نظر می‌رسد مبنای وجوب وفا که با عموماً عمل به وعده و تقبیح خلف وعده و لزوم عمل به شروط ابتدایی موافق است، بتواند ایجاد ضمانت‌های حقوقی را در برخورد با وعده‌های دروغین توجیه کند.

1 . <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=47771>

2 . <https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?id=3415&nt=2&year=1386&tid=3834>

3 . <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36333>

۳-۲. اقدامات مستقل از نهادها و احزاب

اساساً دولت‌های پوپولیستی دولت‌هایی هستند که نه با اتکا بر فعالیت‌های حزبی و نه با برنامه‌های از پیش تهیه‌شده، بلکه از طریق رویارویی مستقیم آنان با مردم و قانع نمودن آنها به ناکارآمدی احزاب در برآورده ساختن آمال و آرزوهایشان به قدرت می‌رسند؛ البته زمینه ظهور چنین رخدادی را باید در حالتی دانست که مردم از واسطه‌گری احزاب و گروه‌های سیاسی در تأمین منافعشان ناامید شده‌اند و به دنبال راهی هستند که زودتر از احزاب سیاسی، خواسته‌های آنان برآورده شود (فراتی، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۶).

فراهم ساختن فرصت برای ظهور استعدادها در ساختار سیاسی و بسترسازی برای رشد افراد، رقابت‌های انتخاباتی و هدایت و جهت‌دهی آرای عمومی، حکومت‌داری و بر عهده گرفتن مسئولیت حکومت، تدوین سیاست‌های عمومی و ارائه برنامه، آموزش و شکل دادن به افکار عمومی، بازتابنده نیازهای اجتماعی، عامل پیوند میان مردم و حکومت از کارکردهای مهم و اساسی احزاب است؛ اما باید پذیرفت که همین احزاب می‌توانند آسیب‌های جدی هم داشته باشند که با رفع آنها نظام سیاسی پویا و کارآمد خواهد شد. آسیب‌هایی مانند گرفتار انشعاب‌های تضعیف‌کننده، چپ‌روی و راست‌روی؛ ورود به عرصه سیاست تنها در موقع انتخابات، تبدیل احزاب به محفل فرقه‌ای، دوستانه و باشگاه سیاسی، ...، مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرمایند:

در این قضیه انتخاب، مردم حقاً و انصافاً به وظیفه خودشان عمل کردند. وظیفه‌شان این بود که بیایید به پای صندوق‌های رأی که به بهترین وجهی ادا شد؛ اما ما و شما وظائف سنگین‌تری داریم. آن کسانی که به یک نحوی یک نوع مرجعیتی در افکار مردم دارند؛ از این سیاسیون و رؤسای احزاب و کارگردانان جریان‌های سیاسی و یک عده‌ای از این‌ها حرف شنوی دارند، این‌ها خیلی باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خیلی باید مراقب گفتار خودشان باشند. اگر آن‌ها کمی افراطی‌گری کنند، دامنه این افراطی‌گری در بدنه مردم به جاهای بسیار حساس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود

آن‌ها دیگر نمی‌تواند آن را جمع کنند که ما نمونه‌هایش را دیده‌ایم. افراط وقتی در جامعه به وجود آمد، هر حرکت افراطی به افراطی دیگران دامن می‌زند. اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند و چه نخواهند، مسئول خون‌ها و خشونت‌ها و هرج و مرج‌ها، آن‌هایند (۱۳۸۸/۳/۲۹).^۱

نقد و بررسی: وجود احزاب و نهادهای سیاسی در جامعه امری است مستحدثه که در فقه سیاسی به این نام و رسم وجود نداشته است؛ اما می‌توان آن را در قالب اصول و قواعدی طرح کرد. حزب در لغت حزب تجمیع گروهی است که بر اندیشه و هدف واحدی توافق داشته باشند و داشتن آرمان واحد و دفاع احساسی از آن محور اصلی و عنصر ذاتی حزب را تشکیل می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۲۲).

باید توجه داشت که در قرآن به سه گروه که اهداف و آرمان مشترکی دارند، اشاره شده است: فتنه، فرقه و حزب. از نظر قرآن کریم احزاب به دو دسته متمایز تقسیم می‌شوند: حزب الله و حزب الشیطان، در قرآن کریم سه بار از واژه «حزب‌الله» استفاده شده است: مائده آیه ۵۶، مجادله آیات ۲۲ و ۲۳ و مائده آیه ۵۶.

حال حزب در اصطلاح علوم سیاسی؛ «نهاد و سازمانی است منظم در درون یک نظام سیاسی که از اشخاص حقیقی که دارای یک هدف و آرمان خاصی هستند، تشکیل یافته و دارای اساسنامه و مرامنامه خاصی بوده و در سایه رعایت و پیروی کردن از اصول قانون اساسی در پی فتح قدرت عمومی است» (ماده ۱ قانون فعالیت احزاب)؛ از منظر فقهی می‌توان ادله امریه معروف و نهی از منکر که بیانگر نظارت عمومی است را به‌عنوان مبانی تحزب در جامعه اسلامی دانست: «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴)؛ همچنین در آیه ۱۱۰ این سوره مبارکه آمده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ روشن است که

1 . <https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?id=7190&nt=2&year=1388&tid=1086>

بر اساس فریضه امر به معروف و نهی از منکر، همه افراد نسبت به یکدیگر ولی و صاحب اختیار هستند و فریضه امر به معروف نباید منحصر در موضوعات جزئی و فردی شود؛ بلکه در مسائل کلان جامعه نیز می‌تواند راه پیدا کند. آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: آیه مورد بحث بر وجوب تأسیس و تشکیل گروه منسجم و متحد و نیرومند دلالت دارد که دعوت به خیر و نهی از منکر می‌کند و این گروه بر حکام و محکومان (دولت و ملت) نظارت اجرایی دارند و از طرفی چون این نهاد منتخب توده مردم است جمهور بر آن رقابت و سیطره خواهند داشت. پس نهاد مزبور بر افراد امت سیطره دارد و توده مردم بر خود نهاد رقابت و سیطره خواهند داشت و با این نظم خاص امت اسلامی در تکامل و تضامن متقابل و متعادل قرار می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۵: ۲۷۵) در این راستا، احزاب نهادهایی هستند که می‌توانند بر جریان و روند امور جامعه تأثیر گذار بوده، نظارتی نهادینه شده بر ارکان قدرت داشته باشند. این امر مستلزم آن است که نیروی مجهز و فعالی آماده باشد تا بتوان در وقت خود، در راه تحقق معروف و جلوگیری از منکر بکوشد. (فیرحی، ۱۳۷۸: ۱۰۹).

بر اساس آیه «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹) و به تأسی از سیره حضرت رسول (ص) مشورت با دیگران چند نتیجه مهم دارد: اول آنکه با احترام به آرای مؤمنان، زمینه خودباوری و شناخت توانمندی را در آحاد مردم به وجود می‌آورد و از آنجایی که فضای مشاوره زمینه‌ساز مسابقه است، باعث می‌شود مؤمنان برای اتخاذ بهترین تصمیم‌ها تلاش کنند. همچنین رواج فرهنگ مشاوره انسان‌های فکور، مخلص و دلسوز را از دیگران باز می‌شناساند و توانمندی آنان را در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها آشکار می‌سازد و به‌طور خلاصه می‌توان گفت عنصر محوری اداره امور امت استمداد از آرای عمومی و استعانت از تضارب افکار صاحب‌نظران است و رهبران، والیان و متصدیان امور هم مأمور به مشورت‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۱۴۳) حال تحزب هم مراجعه به نظرات نخبگان و صاحب‌نظران در جامعه در امور مرتبط با حکومت و برنامه‌های آن است و همین باعث اجتماع مردم و اتحاد آنان می‌شود ضمن آنکه

مشارکت سیاسی را نیز در جامعه افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر لازمه شورا، آزادی بیان است و آزادی بیان در بهترین و منظم‌ترین وجه خود در آزادی احزاب سیاسی تبلور می‌یابد. در استدلال به آیات می‌توانیم از طریق مفهوم اولویت بگوییم اگر شورا مجوز آزادی بیان افراد است، به طریق اولی مجوز آزادی بیان سازمان‌ها، نهادها و احزاب سیاسی نیز می‌باشد (قدیمی، بی تا: ۱۲۷).

در هر صورت وجود احزاب توانمند متکی بر قانون اساسی و مرامنامه حزبی که دارای ساختار مناسب و برنامه مشخص حزبی در راستای توسعه اخلاق سیاسی و اداره کشور می‌تواند ضمن ایجاد ساختار فرهنگی مناسب برای پذیرش مؤثر احزاب در جامعه و توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور، شرایط را برای نظارت منطقی و علمی بر اداره امور جاری کشور را در غالب تشکیل احزاب فراهم آورد؛ و نیز با حفظ مبانی وحدت ملی بدون شک یکی از ابزارهای مؤثر در نهادینه‌سازی مردم‌سالاری دینی در جامعه خواهد بود.

۲-۴. عوام‌فریبی

یکی از مشخصه‌های اصلی جریان پوپولیستی، عوام‌فریبی است. عوام‌فریبی یا دماغوژی^۱ آن است که شخصی به جای استدلال و اقامه برهان برای اثبات یک عقیده، سعی می‌کند از راه تحریک احساسات و هیجان‌های جمعی و توسل به عواطف و جو حاکم، نوعی تصدیق جمعی نسبت به نتیجه مطلوب خود به دست آورد، به شیوه‌ای که تک‌تک مردم چنین بیندیشند که آن‌ها با پذیرش عقیده، به نوعی یگانگی با گروه رسیده‌اند و این یگانگی به آن‌ها امنیت و قدرت می‌دهد و اگر کسی با عقیده جمع مخالفت کند از آن روح امنیت و قدرت محروم خواهد شد.

در عوام‌فریبی، شخص گروه زیادی از مردم را مخاطب قرار داده، با بیاناتی هیجان‌آور و

1 . Demagogue

شورانگیز، احساسات و عواطف آنان را تحریک می‌کند و با تکیه بر همین شور و هیجان عوام، آن‌ها را نسبت به نتیجه و مدعای خود متقاعد می‌کند. دماغوگ یا عوام‌فریب کسی است که با ادعا و دروغ و وعده‌های بی‌پایه و اساس با تحریف حقایق سعی می‌کند مردم را به سوی خود بکشد و موافقت و پشتیبانی آنان را جلب کند (نیک‌آیین و دیگران، ۱۳۴۰: ۱۱۴-۱۱۵).

شیوه غیرمستقیم، مبتنی بر تحریک عواطف مخاطبان در رابطه با استدلال نیست؛ بلکه در آن از شگردهای مختلف دیگری برای برانگیختن روحیه جمعی هر یک از افراد استفاده می‌شود. در اینجا مخاطب، تک‌تک افرادند نه توده مردم. برای نمونه، در یک کتاب یا مقاله مطلب چنان به فرد تلقین می‌شود که می‌پندارد تمام کسانی که در راه رشد و پیشرفت هستند، آن را پذیرفته‌اند و نپذیرفتن آن، جاماندن از کاروان دانش و پیشرفت است.

حربه اصلی عوام‌فریبی این احساس درونی است که هر کس می‌خواهد مورد تحسین دیگران قرار گیرد بر ارزش و احترامش افزوده شود. این احساس گاه باعث تمایل افراد به تشبه به افراد مشهور می‌شود. تهیه‌کنندگان تبلیغات و آگهی‌های تجاری از این روحیه حداکثر استفاده را می‌کنند. افزون بر این سعی می‌شود میان کالای مورد تبلیغ و امور موردعلاقه مخاطب ارتباط برقرار شود؛ بنابراین در تبلیغات تصویری، در ضمن تبلیغ یک کالا، صحنه‌هایی از طبیعت یا صحنه‌های مهیج ورزشی استفاده می‌شود (رک: خندان، ۱۳۸۰). عوام‌فریبی در عالم سیاست نیز به‌طور خاص وجود دارد.

نقد و بررسی: در فقه سیاسی شیعه حاکمان و دولتمردان نه تنها خود باید از این امور مبرا باشند، بلکه نباید اجازه ظهور و بروز این امور را در جامعه بدهند. در قرآن کریم یکی از ویژگی‌های حکام جور را عوام‌فریبی معرفی می‌کند. فرعون با به رخ کشیدن امکانات، مردم را مرعوب خود می‌کرد: «أَلَيْسَ لِي مُلْكٍ مِصْرَ... وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي» (زخرف: ۵۱)، گاهی اشخاص با سخنرانی عوام‌فریبی می‌کنند تا رأی بیاورند و قول‌هایی می‌دهند که خودشان هم می‌دانند که عمل نمی‌کنند. قرآن کریم خطاب به پیغمبر (ص) می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْجِبُكَ قَوْلُهُ» (بقره: ۲۰۴) پیغمبر بعضی از مردم به قدری زیبا حرف می‌زنند که

گفتار او تو را هم به تعجب وامی‌دارد. یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا» (انعام: ۱۱۲) «و این گونه برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم که برای فریب مردم همواره گفتاری باطل ولی به ظاهر آراسته و دلپسند به یکدیگر القاء می‌کنند».

یکی از ابزارهای دیگر عوام‌فریبی که در قرآن نکوهیده شده است استفاده از ابزار پول خرج کردن است تا به هر نحوی رأی مردم را بخرند. قرآن کریم می‌فرماید: «يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (انفال: ۳۶) پول خرج می‌کند تا جلوی راه خدا را بگیرند و در ادامه می‌فرماید «فَسَيَنْفِقُونَهَا» از این به بعد خرج خواهند کرد. گاهی اوقات نیز با استفاده از عناوین و القابی نظیر اصلاح‌طلب، اصولگرا، انقلابی و... وارد صحنه سیاسی می‌شوند؛ در حالی که موقع عملکرد پایبند به القاب و عناوین خود نیستند «إِنَّمَا نَحْنُ مُصَلِحُونَ» (بقره: ۱۱).

در سیره سیاسی امیرالمؤمنین^(ع) است که ایشان در تمامی مدت خلافت خویش تمام تلاشش را برای احیای واقعی سنت رسول خدا^(ص) به کار گرفت؛ اما جامعه اسلامی طی بیست و پنج سال، ذائقه‌ای دیگر یافته بود و عدالت علوی را برنمی‌تافت. امام علی^(ع) در طول حیات خود بارها با عوام‌فریبی حاکمان زمانه خود مبارزه کرده و در این زمینه روشنگری نمودند. امام در خطبه ۵۱ نهج‌البلاغه خطاب به یارانشان فرمودند: «أَلَا وَ إِنِّ مُعَاوِيَةَ قَادِمَةٌ مِّنَ الْغَوَاةِ وَ عَمَسَ عَلَيْهِمُ الْخَبْرَ حَتَّى جَعَلُوا نُحُورَهُمْ أَعْرَاضَ الْمَنِيَةِ»؛ «آگاه باشید که معاویه عده قلیلی از گمراهان و نادانان را بکار زار آورده و حقیقت امر را از آنان پنهان نموده تا اینکه آن‌ها گلوهای خود را هدف مرگ قرار داده‌اند»، عمس به معنای پوشاندن و پنهان کردن آمده است و نوعی خبر دادن است که واقعیت را مخفی می‌دارد تا جایی که عوام‌جان‌های خود را در معرض تیر قرار می‌دهند و این از مشخصات حکومت‌های استبدادی و عوام‌فریب است. به عبارتی بهره‌بردن از جهل مردم با پوشاندن حقیقت بر مبنای کلام امام^(ع) را می‌توان معادلی برای عوام‌فریبی در علوم سیاسی دانست.

امام علی^(ع) یکی از ویژگی‌های این عوام‌فریبان را تضاد شخصیتی آنان دانسته و اینکه در ظاهر آراسته هستند و چنان فصیح و بلیغ سخن می‌گویند که شنونده را مسحور می‌کنند و

باطل را به جای حقیقت به شنونده القا می‌کنند. در خطبه ۲۱۰ نهج البلاغه آمده است: «در صورتی که خدا تو را از منافقین آن گونه که لازم بود آگاهاند و وصف آنان را برای تو بیان داشت. آنان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باقی ماندند و به پیشوایان گمراهی و دعوت کنندگان به آتش با دروغ و تهمت نزدیک شده. پس به آنان ولایت و حکومت بخشیدند و بر گردن مردم سوار گردیدند».

مقام معظم رهبری در بیان مقام صداقت سیاسی امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «امیرالمؤمنین هم مظهر تقوا و امانت و هم دارای صدق و صراحت بود. کلمه، کلمه گفتار امیرالمؤمنین در طول تاریخ مثل نورافکنی برای زبندگان و نخبگان فکری عالم درخشیده است... امروز حرف‌های زیبا بر زبان سیاستمداران عالم جاری می‌شود به نام حقوق بشر، به نام مردم‌سالاری، به نام صلح، به نام قداست ولی در دل‌ها و عمل‌ها از این حقایق هیچ گونه خبری وجود ندارد. این وضعیت قبل از دوران امیرالمؤمنین هم بود. امروز هم وجود دارد. امیرالمؤمنین آن قله بلند انسانیت در این جهت برخلاف اغلب سیاستمداران عمل کرده است. خصوصیت او این بود که اگر اسم مردم را می‌آورد، برای آن‌ها حقیقتاً ارزش قائل بود» (۱۳۸۰/۱/۱).

نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که پوپولیسم می‌تواند هم به عنوان جریان در جامعه و در میان نخبگان نفوذ کند و هم می‌تواند به صورت جزئی در میان دولتمردان وجود داشته باشند هرچند ادعای ضد پوپولیستی کنند. سیاستمدارانی مردم‌انگیز که مردم را در ذهن خود ایزاری برای رسیدن به منافع می‌دانند و برای خرید محبوبیت با وعده‌های توخالی و پوچ اقشار محروم را فریب داده و هزینه به دست آوردن محبوبیت خود را با دست‌اندازی به جیب مردم و نسل آینده پرداخت می‌کنند و طبیعتاً این گونه حرکت‌ها و اقدامات صرفاً مردم را گرفتارتر می‌کند. مؤلفه‌هایی مانند سوءاستفاده از ناآگاهی مردم، عوام‌فریبی، کنار گذاشتن نهادها و احزاب از ویژگی‌های اصلی جریان پوپولیسم است که در فقه سیاسی شیعه به شدت

مورد نهی قرار گرفته است و ادلهٔ مختلف از آیات و روایات و اجماع بر این مطلب دلالت می‌کند. لازم به ذکر است آنچه مدنظر اسلام است مردم‌گرایی مبتنی بر عقلانیت و بصیرت است که مشارکت عمومی مردم را در همهٔ عرصه‌های سیاسی و اجتماعی می‌طلبد و نیز حکام را به‌عنوان خدمتگزاران مردم معرفی می‌کند. البته مقاله حاضر در صدد بیان ویژگی حکومت مردم‌گرای مورد تأکید فقه اسلامی نیست و خود مجال دیگری را برای نگارش می‌طلبد، اما باید گفت فقهای بزرگ شیعه بر جایگاه والای مردم در حکومت اسلامی تأکید داشته و با توجه به آیات قرآنی آنان را مانند نماز ستون دین و شایسته خدمت بی‌منت می‌دانند که حکومت موظف است قدر آن‌ها را دانسته و در حفظشان بکوشد؛ زیرا تحقق امور حکومت در جامعه و برقراری نظام اسلامی، در سایهٔ تمکین اقشار مختلف جامعه امکان‌پذیر است و همچنین، پذیرش مردمی در حوزه اهداف، عملکرد و مسئولیت‌های حکومت است که با نظارت عمومی، امر به معروف و نهی از منکرها تحقق می‌یابد.

منابع

۱. آشوری، داریوش. (۱۳۷۳)، **دانشنامهٔ سیاسی**، تهران: انتشارات مروارید.
۲. آقابخش، علی؛ مینو افشاری راد. (۱۳۸۳)، **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران: چاپار.
۳. ابراهیم‌زاده، حجت. (۱۳۹۲)، **واژگان علوم سیاسی**، تبریز: پروژه.
۴. ابوطالبی، مهدی. (۱۳۸۷)، «پوپولیسیم»، مجله معارف، شماره ۵۶، صص ۱-۳.
۵. اسماعیلی، محسن؛ سیداحمد حبیب‌نژاد. (۱۳۹۶)، «مبانی فقهی حقوقی لزوم عمل به وعده‌های انتخاباتی و مقابله با وعده‌های دروغین»، **فصلنامهٔ مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۵۰.
۶. امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۲۸)، **البیع**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمدامین. (۱۴۱۵)، **کتاب المکاسب المحرمه و البیع و الخيارات**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۸. بابایی، پرویز. (۱۳۹۱)، **فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی**، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.

۹. تهانوی، محمدعلی. (۱۹۹۶)، **کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم**، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۱۰. جاوید، سیروس. (۱۳۷۲)، **فرهنگ آلمانی - فارسی**، بی جا.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸)، **تسنیم**، قم: نشر اسراء.
۱۲. حبیبی، محمدحسن. (۱۳۸۲)، «بررسی حق آگاهی مردم به عنوان یک حق اساسی»، **فصلنامه حقوق اساسی**، شماره ۱، صص ۶۵-۹۶.
۱۳. حسنی، ابوالحسن. (۱۳۸۸)، «تعریف فقه سیاسی و موضوع آن به منزله نخستین مسئله در فلسفه فقه سیاسی»، **قبسات**، شماره ۵۱، صص ۱۶۹-۱۹۰.
۱۴. الخوئی، السید محمدتقی. (۱۴۱۴)، **الشروط و التزامات التبعة فی العقود**، دارالمورخ العربی.
۱۵. خوانساری نجفی، موسی. (۱۳۷۳)، **منیه الطالب فی حاشیه المکاسب**، تهران: مطبعه حیدری.
۱۶. خندان، سید علی اصغر. (۱۳۸۰)، **مغالطات**، قم: بوستان کتاب - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۷. رحیق اغصان، علی. (۱۳۸۴)، **دانش نامه در علم سیاست**، تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
۱۸. روزبه، خسرو. (۱۳۴۰)، **واژه‌های سیاسی واژه‌های نو - واژه‌های دیگر**، تهران: انتشارات پژوهش.
۱۹. شکوری، ابوالفضل. (۱۳۷۷)، **فقه سیاسی اسلام**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۰. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۱)، **حاشیه المکاسب**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۱. طریحی، فخر الدین. (۱۴۱۶)، **مجمع البحرين**، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۲۲. علیزاده، حسن. (۱۳۸۱)، **فرهنگ خاص علوم سیاسی**، تهران: روزنه.
۲۳. عمید زنجانی، عباسعلی؛ ابراهیم موسی زاده. (۱۳۸۸)، **بایسته‌های فقه سیاسی**، تهران: مجد.
۲۴. فراتی، عبدالوهاب. (۱۳۹۳)، **پوپولیسیم**، تهران: کانون اندیشه جوان.

۲۵. فیرحی، داود. (۱۳۷۸)، **مبانی کلامی - فقهی حزب درمذهب شیعه**، تهران: تحزب و توسعه.
۲۶. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۸)، **بحار الانوار**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی. (۱۴۰۶)، **الوافی**، اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (ع) العامة.
۲۸. قدیمی، سید عباس. (بی تا)، «مبانی فقهی و کلامی تحزب»، **همایش تحزب و توسعه سیاسی**، کتاب سوم.
۲۹. الکلینی الرازی، یعقوب بن إسحاق. (۱۳۶۵)، **الأصول من الکافی**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. لاکلاو، ارنستو؛ اسلاوی ژیزک. (۱۳۸۸)، ترجمه محمد ایزدی و عباس ارض پیمان، **در ستایش پوپولیسیم**. تهران: رخ داد نو.
۳۱. گیلانی قمی، ابوالقاسم. (۱۴۱۳)، **جامع الشتات**، تهران: مؤسسه کیهان.
۳۲. مازندرانی، محمدصالح بن احمد. (۱۴۲۹)، **شرح اصول الکافی**، بیروت: دار إحياء الكتاب العربی.
۳۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۳)، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۴. المصطفوی، حسن. (۱۳۶۸)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: مؤسسه الطباعه والنشر وزاره الثقافه والارشاد.
۳۵. موسوی بجنوردی، سیدحسن بن آقا بزرگ. (۱۴۱۹)، **القواعد الفقیهیه**، قم: نشر الهادی.
۳۶. مولر، یان ورنر. (۱۳۹۶)، ترجمه بابک واحدی، **پوپولیسیم چیست؟** تهران: نشر بیدگل.
۳۷. ناصحی، مصطفی. (۱۳۷۸)، **ولایت فقیه و تفکیک قوا**، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۸. **نهج البلاغه**. (۱۳۸۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات امیرالمؤمنین (ع).